

آموزش هنر در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مسئله‌ای است که در این پرونده مورد بررسی قرار داده ایم. اگر بخواهیم به فرایند آموزش در دوره‌های پیش از دانشگاه به دقت بنگریم با چهار خلع مواجه می‌شویم: معلم یا هنر آموز، دانش آموز، کتاب هنر و شیوه آموزش.

معلم یا هنر آموز

معلم شایسته است از جریان‌های روز هنری ایران و جهان به اضافه پیشینه هنر این سرزمین آگاه باشد. این آگاهی باعث می‌شود دانش آموزان با چشم اندازه‌های هنری خارج از کتاب هنر هم آشنا شوند. هنرمند بودن معلم یکی دیگر از شرایطی است که می‌تواند ایده‌آل کلاس هنر در آموزش و پرورش باشد. اما به عقیده برخی از کارشناسان و براساس بررسی‌های میدانی، برخی از معلمان هنر فارغ التحصیل رشته‌های غیر مرتبط با هنرند و ساعات کلاس هنر برای آنها به صورت اضافه کاری یا به دلیل کمبود معلم است.

دانش آموز

ضلع دیگر فرایند آموزش، دانش آموز است. او لوح سفیدی است که هنرآموز قرار است بر آن نقش هنر بیندازد. هر چه ضمیر او به هنر گرایش بیشتری داشته باشد، طلب بیشتری می‌کند.

کتاب هنر

کتاب هنر نقطه اتصال دانش آموز و معلم است. پایه، اساس و مسیری که در کتاب هنر تعریف می‌شود می‌بایست از سوی طرفین رعایت شود: مسیری که مقصدش توسط برنامه ریزان تعریف شده است.

شیوه آموزش

بسیاری از کارشناسان معتقدند شیوه آموزش در آموزش و پرورش "رفتار کراس" است و همین امر باعث شده در این فرایند، مسئله خلاقیت از ارزش کمی برخوردار باشد. شیوه آموزش می‌تواند محل تلاقی سه ضلع دیگر باشد. به گونه‌ای که خلاقیت در محور اصلی قرار گیرد. کارشناسان امر معتقدند اگر شیوه آموزش ما "شناخت کراس" باشد، به طور قطع نتایج، بسیار متفاوت با امروز خواهد بود.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پرتال جامع علوم انسانی

تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت کودکان در آینده



حمید میرزاقایی

برای گذر از عصر اطلاعات و ورود به دنیای آینده می‌بایستی کودکان را توانمند، خلاق، ارتباط‌گر و مسلط به فن‌آوری‌های روز تربیت کرد، آن‌چنان که دارای انگیزش بالا و از شوق زندگی کردن برخوردار باشند تا بتوانند در دنیای پرقاب‌ت و پیچیده آینده تاب تحمل داشته باشند و موفق شوند.

برای لحظه‌ای در گوشه‌ای بنشینیم و چشمان خود را ببندیم و به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم ببیندیشیم.

سرعت و شتاب زندگی و پدید آمدن تحولات شگفت‌انگیز از ویژگی‌های عصر حاضر است و هر لحظه اتفاقی جدید در حال وقوع است. این اتفاقات همچون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل‌اند و از دل زمان خارج می‌شوند. تولید علم و دانش چنان سرعتی به خود گرفته است که بارانی از اطلاعات بر سر انسان‌ها فرو می‌ریزد، شبکه اینترنت که ریشه‌های گسترده فن‌آوری اطلاعات را تشکیل می‌دهد با سرعتی شگفت‌انگیز به پیش می‌رود و هر نقطه‌ای از کره زمین را تحت سیطره خود در می‌آورد و هر لحظه مغز یک انسان را به هزاران انسان دیگر مرتبط می‌کند و بدین وسیله او را در میان سیلاب اطلاعات رها می‌سازد. اگر تا دو دهه پیش به آدمی می‌آموختند که چگونه به کسب اطلاعات و گردآوری آن بپردازد، اکنون در پی آن‌اند که به انسان بیاموزند چگونه سدی بسازد تا خود را از یورش سهمگین اطلاعات ایمن سازد و تنها از آن میزان اطلاعات که نیاز واقعی اوست بهره‌مند شود. امروزه نوزادان متولد می‌شوند تا بتوانند آینده را مدیریت کنند و این رسالت سنگین بر عهده ماست که آنان را برای آن دوران آماده کنیم؛ دورانی که انسان باید علاوه بر زندگی در محیط در حال تغییر، بتواند خلاقانه ببیند

و با ایجاد افکار نو به حل مشکلات بپردازد و با هنرمندی، کشتی زندگی خویش را در این دریای متلاطم به پیش ببرد.

حال تصور کنید فردی ساعت‌ها در حال نقاشی کردن است و به دور از هیاهوی دنیای امروز، در تخیل خود سیر می‌کند و گویی ذهن او در دریای آرام درون، قلابی را رها ساخته و ساعت‌ها به دنبال چیزی تازه در دل این دریاست. در این میان ممکن است پرنده ذهن او به آسمان پرواز کند و در جست‌وجوی خالق خویش به سیر و سیاحت بپردازد و یا در اعماق دریای وجود به جست‌وجو بپردازد و هر لحظه تجربه‌ای کسب کند و در این میان چه بسا اولین جرقه‌های خلاقیت پدیدار و زمینه ساز افکار نو گردد. هنر قادر است شرایطی را فراهم کند که آدمی بتواند به دور از هیاهو، در میان زیبایی‌ها سیر کند و بدین وسیله به آرامش برسد و در کنار آن عمیق‌تر ببیندیشد.

کودکان امروز، نیازمند هنرند تا در آینده با کمک آن بتوانند بهتر اندیشه کنند

برای پی بردن به اهمیت هنر در بروز خلاقیت، بهتر است تعریفی از خلاقیت به دست دهیم و سپس به بیان ویژگی‌های فرد خلاق بپردازیم.

تعریف خلاقیت

بیان تعریفی جامع از خلاقیت کار سختی است. صاحب‌نظران تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند، اما شاید ساده‌ترین تعریفی که بتوان از خلاقیت داشت عبارت است از: "خلاقیت این است که فردی فکری نو و متفاوت ارائه دهد".

"استیفن رایبیز" خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه‌ها و نظرات

در یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین آنها بیان می‌کند.

"گیلفورد"، دانشمند آمریکایی خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت‌های جدید برای مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ) مترادف دانسته است.

افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران تفاوت دارند و از عرف و عادت دور می‌شوند و روش‌های خلاق و جدید را به کار می‌برند. برعکس، کسانی که از این خصوصیت برخوردار نیستند تفکر همگرا دارند و در فکر و عمل خود از عرف و عادت پیروی می‌کنند.

ویژگی‌های فرد خلاق

مهم‌ترین ویژگی‌های افراد خلاق به شرح زیر است:

- انگیزه بالایی برای پیشرفت دارند
- کنجکاو و جست‌وجوگرند
- در انجام کارها دارای پشتکار و انضباط هستند
- انگیزه فراوانی برای کسب دانسته‌ها و تجربیات جدید دارند
- شوق فراوان برای زندگی کردن دارند
- زیبایی‌سند و علاقه‌مند به آثار هنری‌اند
- می‌توانند بر روی دیگران بسیار تأثیر گذار باشند
- دارای قوه تخیل (فعال) بالایی هستند
- میل به استقلال دارند و از اینکه هم‌رنگ جامعه باشند می‌پرهیزند و در مواردی که دستورهایی بر خلاف میل یا اعتقادات خود دریافت کنند به سرپیچی از آنها تمایل نشان می‌دهند
- در زندگی کمتر جزئی‌نگر هستند

- پیچیدگی در امور را بر سادگی ترجیح می‌دهند
- روحیه‌ای طنزگونه دارند و از شوخ طبعی برخوردارند
- تمایل به انجام کارهایی دارند که با ریسک توأم است
- کارها را به خاطر لذت و رضایت بخشی انجام می‌دهند
- و کمتر تحت تأثیر عوامل بیرونی نظیر شهرت، پول و یا تأیید

دیگران کار می‌کنند

- گرایش به سادگی و ایجاد نظم دارند
- در تصمیم‌گیری‌ها انعطاف پذیرند
- تمایل دارند که احساسات و هیجانات خود را صریح بیان کنند.
- از هوشی بالاتر از حد متوسط برخوردارند
- به موضوعاتی توجه می‌کنند که دیگران به آن توجه نداشته‌اند
- در مواردی، برای یک مسئله می‌توانند چندین راه حل داشته باشند.
- اگرچه تمامی عوامل فوق در یک فرد خلاق ممکن است وجود نداشته باشد، اما می‌توان بیان داشت این ویژگی‌ها ممکن است در افراد خلاق بیشتر دیده شود.

حال، هنر به‌واسطه ویژگی‌های زیر می‌تواند زمینه ساز خلاقیت در انسان باشد:

- ۱- هنر آدمی را وادار می‌کند که تجربیات جدیدی کسب و آن را به دیگران منتقل کند و این خود سرآغاز تبادل اندیشه و ظهور افکار نو خواهد بود. به گفته ارنست دیمنه، از پایه گذاران آموزش و پرورش فرانسه، هنگامی که انسان افکار و تجربیات جدید خود را از ذهن خارج و به دیگران منتقل می‌کند، همچون حلقه‌ای از زنجیر عمل می‌کند که با کشیدن آن به بیرون از ذهن باعث بیرون آمدن افکار جدید تری می‌شود و این اقدام سبب فعال

شدن مغز برای اندیشیدن بیشتر می‌شود.

۲- هنر کمک می‌کند ذهن آدمی در فضایی آرام بخش و با آزادی سیر کند، کاوش و چیزهای جدید کشف کند و اندیشه‌هایی بروز دهد که تجربه نشده است. اصولاً هنگامی که ذهن انسان در فضایی ناآرام به سر می‌برد و دچار تضادهای نگرانی‌ها و دغدغه‌های فراوان است، بخش زیادی از انرژی مغز برای مقابله با این نابسامانی‌ها به هدر می‌رود و در نهایت خسته و درمانده می‌شود. هنگامی که ذهن خسته است عمق تفکر بسیار نزول می‌کند و انسان قادر به اندیشیدن عمیق نیست و تنها در هنگام کار کردن، تمایل دارد که کارهای تکراری که نیازمند تفکر نیست به انجام رساند. اگر این عارضه در یک جامعه گسترش یابد، می‌توانیم حدس بزنیم تا چه حد مردم تمایل خواهند داشت برای انجام امور تفکر کنند و فعالیت‌های خود را با عقل و اندیشه پیش ببرند.

۳- هنر زمینه ساز انگیزش است و انسان را وادار به حرکت می‌کند. انسانی که با انگیزش است و هدفمند به پیش می‌رود، خلاقیت او را همچون دوست برای رسیدن به هدف یاری خواهد کرد.

۴- هنر با خلق زیبایی‌ها به مغز انسان آرامش می‌بخشد و شرایطی را پدید می‌آورد که سلول‌های مغزی در فضایی به دور از هیاهو و نگرانی اندیشه کنند، چراکه محیط پر استرس و نگران کننده برای سلول‌های مغزی مخرب است.

۵- هنر می‌تواند آدمی را به درون خویش هدایت کند و اگر انسان در این میان خویش را بشناسد و رسالت و هدف بزرگی برای خود کشف کند، باعث ایجاد تحولی می‌شود که زمینه ساز انگیزش درونی و این خود پیش زمینه خلاقیت در انسان است.

۶- هنر بهره گیری از قوه تخیل فعال را در انسان تقویت می‌کند و این خود می‌تواند زمینه ساز افکار نو شود. بسیاری از اختراعات بزرگ برگرفته از تخیل ذهن بزرگانی است که در گذشته این اختراعات را در ذهن خود تصور کرده بودند و سپس توسط دیگران به عمل تبدیل شده است.

۷- هنر زمینه ساز سیر انسان به سوی خالق خویش است. این امر می‌تواند سرآغاز رشد اخلاق و شکل گیری خلاقیت مثبت و اثربخش در انسان باشد. به‌طور مسلم خلاقیت زمانی ارزشمند است که ثمره‌های آن برای انسان نیکبختی و سعادت در پی داشته باشد.

۸- هنر زمینه ساز مثبت تجربیات بشر است. تجربیات ثبت شده بشر مهم ترین چیزها برای وادار کردن انسان‌ها به تفکر است و رشد تفکر سرآغاز دست یابی به افکار نو و بروز خلاقیت خواهد بود.

۹- مغز از دو نیمکره تشکیل شده است. دو نیمه مغز شبیه یکدیگرند و هماهنگ با هم عمل می‌کنند. فعالیت‌هایی نظیر ریاضیات، زبان و ارتباط کلامی، منطقی، بررسی و تجزیه و تحلیل و نویسندگی در نیمه سمت چپ مغز انجام می‌شود و فعالیت‌های نظیر تصور و تجسم، شناخت رنگ، موسیقی، وزن و آهنگ، خیالات و آرزوها بر عهده نیمه راست مغز است. هرگاه انسان بتواند از دو نیمه مغز استفاده کند کارایی مغز به‌طور فوق العاده‌ای افزایش خواهد یافت. نود درصد مردم با سمت چپ مغز خود فکر می‌کنند. بسیاری از دانشمندان با بهره گیری از هنر تلاش کرده‌اند نیمه راست مغز خود را فعال نگاهدارند و به همین علت لازم است که با بهره

گیری از هنر قابلیت‌های مغزی خود را افزایش دهیم.

۱۰- هنر تأثیرات درمانی بر روی بدن انسان دارد که با بهره گیری از آن می‌توان به درمان بعضی عارضه‌ها پرداخت و یا از بعضی مشکلات پیشگیری کرد. این امر سبب سلامت جسم و مغز می‌شود. روان کاوان معتقدند هنر از نظر عاطفی موجب کاهش احساس خشم و نفرت و پرخاشگری در کودک می‌شود و خلق آثار هنری می‌تواند باعث تقویت اعتماد به نفس در کودک شود. به کار گیری روش‌های درمانی نظیر نمایش درمانی، قصه درمانی و موسیقی درمانی در درمان بیماران مضطرب و افسرده در حال افزایش است.

تولد نوزاد، آغاز آموزش هنر

هنگامی که فریاد نوزاد به هنگام تولد به آسمان می‌رود، گویی فریاد می‌کشد که چرا از یک مکان آرام بخش به دنیایی قدم گذاشته است که شگفت انگیز و پیچیده و تاحدی ناامن است. او در این هنگام نیازمند آغوش گرم مادر است تا شب هنگام یا صدای لالایی او به خواب رود. لالایی‌های مادر که با آهنگی دلنشین خوانده می‌شود، اولین تأثیر گذاری هنر بر روی جسم و روان کودک است. این شعرهای آرام بخش که نسل اندر نسل منتقل شده‌اند، تأثیر خوبی در سخن گفتن و رشد مغز کودک دارند و از این زمان تا زمانی که وی به مهد کودک می‌رود شامل دورانی است که کودک در خانه و در کنار والدین در حال یادگیری و آموزش است.

در آموزش چهار عامل نقش مهمی دارند که عبارت‌اند از:

- معلم باانگیزه
- آموزش گیرنده باانگیزه
- محتوای آموزشی مناسب
- فضای آموزشی مناسب.



حدود پنج سال اول زندگی انسان که در محیط خانه سپری می‌شود جزو مهم ترین سال‌ها در شکل گیری شخصیت انسان محسوب می‌شود و اگر در این سال‌ها بتوان هنر را به خوبی به کودک آموزش داد می‌توان انتظار داشت که هنر در شخصیت کودک تأثیر گذار باشد. برای مثال می‌توانیم از خاطرات «استفان جی. گولد»، دانشمند معروف دیرین‌شناس که در سال ۲۰۰۲ میلادی درگذشت، ذکری به میان آوریم که گفته است: زمانی که پنج سال سن داشتم، از موزه تاریخ طبیعی دیدن کردم و آثار به نمایش گذاشته شده در این موزه چنان در وجود من اثر گذاشت که از همان زمان علاقه‌مند شدم دانشمند دیرین‌شناس شوم.

در خصوص این دوران باید بیان داشت که چهار عامل آموزشی دارای شرایط زیر هستند:

- مادر، از با انگیزه ترین معلم‌های دنیا، در خانه حضور دارد و می‌تواند خود را وقف آموزش کودک کند.

- کودک با انگیزه ترین آموزش‌گیرنده است و در این دوران دارای چنان عطش یادگیری است که اگر به خوبی بتوان از این فرصت استفاده کرد بیشترین تأثیر را می‌توان بر شخصیت او گذاشت. به گفته کریستین بوبن، نویسنده فرانسوی: بچه‌ها مثل دربانوردانی هستند که به هر نقطه‌ای که نگاه می‌کنند، آن‌جا بی‌کران و وسیع است.

- محیط منزل: مکانی است که اگر به خوبی برای آموزش دادن هنر به کودک آماده شده باشد، می‌تواند بر یادگیری کودک بسیار تأثیر گذار باشد.

- محتوای آموزش: در کشور ما متأسفانه به علت ضعف در آموزش والدین، مادر به مطالب و دانسته‌هایی که به خوبی او را در آموزش هنر به کودک یاری کند دسترسی ندارد و بسیاری از آموزش‌ها داده نمی‌شود؛ یا از طرفی بسیاری از آموزش‌ها نیز غلط است و کمتر مادری را می‌توان یافت که بتواند در این دوران به درستی کودک خود را از آموزش هنر سیراب کند. متأسفانه یکی از مهم‌ترین دوران‌های آموزشی به راحتی در کشور ما از دست می‌رود و این فرصتی است که دیگر به دست نمی‌آید و شاید بتوان گفت این مهم‌ترین دورانی است که می‌توان آشیانه هنر را در وجود شخصیت انسان ساخت و مرغ هنر را برای یک عمر بر بالای سر انسان رها کرد تا همیشه در کنار او باقی بماند.

متأسفانه ما در گذشته نتوانسته‌ایم هنر را در اعماق وجود مردم خویش همچون گنجینه‌های ارزشمند قرار دهیم تا با بهره‌گیری از آن محیطی زیبا برای خود پدید آورند. این نشان دهنده ضعف آموزش هنر در سطح کشور است. باید آموزش هنر در دوران کودکی و نوجوانی جدی گرفته شود تا در سال‌های آینده تأثیرات آن را در کشور خود شاهد باشیم.

حال این سؤال مطرح است که در کشور کدام مرجع مسئولیت تدوین محتوای آموزشی و سیاست‌گذاری برای آموزش والدین در خصوص هنر را پذیرفته است تا با یک آموزش نظام مند بتوان از این دوران طلایی بهترین استفاده را کرد.

موارد زیر برای بهره‌گیری از این دوران در عرصه آموزش هنر به والدین، پیشنهاد می‌شود:

۱- راه‌اندازی یک مرکز تخصصی ویژه جهت حضور صاحب‌نظران در عرصه هنر و تعلیم و تربیت کودک به منظور انجام بحث‌های نظری و تدوین محتوای آموزشی و ثبت و طبقه‌بندی و آرشیو تجربیات داخل و خارج از کشور و در نهایت تدوین محتوای آموزشی جهت استفاده در کشور

۲- ایجاد آموزشگاه‌های هنری که در آن‌جا با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، والدین در عرصه آموزش هنر به کودک آموزش ببینند

۳- برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای کارشناسان و پژوهشگران

۴- انتشار یک نشریه هنری ویژه آموزش هنر به کودک به زبان ساده و توزیع سراسری در سطح کشور برای عموم

۵- تدوین کتاب‌های آموزشی نحوه آموزش هنر به کودک و توزیع گسترده در سطح کشور

۶- برگزاری مسابقات آموزشی برای والدین به صورت سراسری در کشور به منظور فرهنگ‌سازی هنر و آموزش جامعه و اهدای جوایز برای جذب مردم

۷- برگزاری کنگره‌های تخصصی به منظور ثبت تجربیات در زمینه آموزش هنر به کودک

۸- فعال‌سازی سایت‌های اینترنتی در خصوص آموزش هنر به کودک

۹- حمایت از فعال شدن سازمان‌های غیر دولتی در خصوص آموزش هنر به کودک جهت جذب والدین علاقه‌مند برای حضور و تبادل نظر با یکدیگر

۱۰- تهیه منابع صوتی-تصویری برای آموزش جامعه به قصد ارائه در صدا و سیما.

دوره پیش دبستانی

کودک پس از دوران پنج سالگی وارد مهد کودک می‌شود و در آن‌جا در کنار کودکان دیگر آموزش می‌بیند و این دوران نیز چون در سنین پنج تا شش سالگی است جزو دوران‌های طلایی شکل‌گیری شخصیت کودک است و از حساسیت‌های خاصی برخوردار است. در خصوص عامل‌های آموزشی باید به نکات زیر اشاره کنیم:

۱- آموزش دهنده: مربی در مهد کودک اگرچه انگیزشی همچون مادر ندارد، ولی علاقه‌مندی و مهارت او می‌تواند بر کودک بسیار تأثیر گذار باشد.

۲- آموزش گیرنده: کودک اگرچه به جایی قدم می‌گذارد که همچون محیط خانه گرم و صمیمی نیست، اما وارد محیطی می‌شود که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و آن حضور تعداد زیادی کودک است که اگر به درستی مدیریت شوند، می‌تواند انگیزش خوبی در کودک ایجاد کند؛ زیرا فرصت‌های زیادی برای بازی و کارهای گروهی در این مکان وجود دارد و هنر می‌تواند شروعی برای تشویق کودکان به کارهای گروهی باشد.

۳- محتوای آموزشی: به علت آنکه مهد کودک‌ها تحت نظر سازمان‌های دولتی قرار دارند در این‌جا محتوای آموزشی مشخصی وجود دارد. مهم‌ترین هدف‌هایی که در مراکز پیش دبستانی توسط آموزش و پرورش مدنظر است به شرح زیر است:

- خلاقیت

- درک زیبایی‌ها و پرورش احساس زیبایی شناسی
- پرورش حواس به ویژه شنوایی و بینایی
- دقت و تمرکز
- کنجکاوی و جست‌وجوگری
- مهارت‌های شناخت رنگ، شکل، اندازه و جهت.



در این زمینه نباید آزادی کودکان را به هنگام انجام فعالیت‌های هنری محدود کرد تا کودک بتواند خواسته‌ها، تمایلات، افکار و احساسات خویش را بیان کند و این نیازمند مربی با انگیزه و فضای آموزشی مناسب به همراه امکانات و ابزار هنری است. در غیر این صورت با قرار دادن کودکان در مکان‌های کوچک و نشستن در کنار هم به صورت تنگاتنگ و آن هم در یک فضای نازیب و به دور از طبیعت به همراه مربی بی انگیزه، این احتمال خواهد رفت که کودک از آموزش هنر بهره‌ای نبرد. ضروری است مراجع متولی امر با انجام پژوهش بررسی کنند که در حال حاضر آموزش هنر در مراکز پیش دبستانی در چه وضعیتی است تا با رفع نقایص، بتوان در این خصوص فعالیت‌های آموزشی هنری را ساماندهی کرد. اگر نتوانیم این مرحله مهم آموزشی را به خوبی مدیریت کنیم، دومین فرصت طلایی آموزش هنر به کودکان را نیز برای همیشه از دست داده‌ایم.

دوران دبستان

در دوران دبستان، کودکان هنر را بیشتر با نقاشی کردن تجربه می‌کنند. در این دوران با سؤالات زیر روبه‌رو هستیم که می‌تواند در خصوص آموزش هنر ما را وادار به تفکر کند که آیا آموزش هنر به شکل کنونی قوه خلاقیت دانش آموز را رشد می‌دهد یا سبب تقلیدگرایی در او می‌شود. مهم‌ترین سؤالات به شرح زیر است:

۱- آیا معلمان دبستان در زمینه آموزش هنر به کودکان از آموزش‌های

لازم برخوردارند؟

۲- آیا شیوه‌های آموزش بر اساس آخرین یافته‌های روز مد نظر قرار گرفته است؟

۳- آیا دانش آموزان با ورود به این دوره درسی از انگیزش کافی برخوردارند و از درس هنر لذت می‌برند؟

۴- معلمان دوره ابتدایی تا چه حد از اهمیت هنر در زمینه ایجاد خلاقیت در کودک شناخت دارند؛ آیا ممکن است که این درس را گذران وقت تلقی کنند؟

۵- آیا در مدارس کارگاه‌های آموزشی هنر وجود دارد، یا کودکان باید به صورت فشرده در کنار هم بنشینند و تقلید گونه، نقاشی بکشند؟

۶- آیا کودکان برای کسب نمره به جای اینکه از تخیلات و تجربیات خود برای نقاشی استفاده کنند، ترجیح می‌دهند والدینشان برای آنها نقاشی بکشند؟

۷- والدین تا چه حد از آموزش‌های لازم برخوردارند که همگام با مدرسه در آموزش هنر به کودکان تلاش کنند تا میان آموزش‌های ارائه شده در مدرسه و خانه تضادی رخ ندهد؟

در این دوران، کودکان مرحله مهمی از زندگی خود را طی می‌کنند. اگر آنان تحت نظر یک مربی کارآزموده قرار گیرند که به آنان کمک کند آزادانه قوه تخیل خود را به کار گیرند، می‌توانند با خلق آثار هنری به رشد فکری خود کمک کنند؛ از طرفی، انسان به ماهیت درونی کودک پی

می‌برد و شناخت بیشتری به دست می‌آورد. همین ویژگی‌ها سبب گردیده که بسیاری از هنرمندان بزرگ دنیا از جمله پیکاسو، کله و ماتیس به‌طور عمیق تحت تأثیر بیان کودکانه قرار گیرند.

آیا در دوران دبستان با آموزش‌های ارائه شده در زمینه هنر باعث رشد خلاقیت در کودکان شده‌ایم، یا اینکه آنان را به سوی تقلید گرایی هدایت کرده و قوه خلاقیت آنان را از بین

برده‌ایم؟ گمان نمی‌رود که شیوه آموزشی ما در مدارس ابتدایی در خصوص هنر توانسته باشد در بروز خلاقیت کودکان مؤثر باشد و دلیلی دیگر که در این مورد می‌تواند مؤثر باشد سرانه آموزشی پایین است که اجازه هزینه کردن و تجهیز مدرسه برای آموزش هنر در تمامی ابعاد را نمی‌دهد.

هنردر دوران دبستان بیشتر در نقاشی خلاصه می‌شود و اگر کودکی نیز بتواند از آموزش‌های بیشتر و متنوع تر هنری برخوردار شود، به واسطه تمکن مالی و آن هم در محیط بیرون مدرسه است. این موضوع بحث جامعه شناسی در خصوص عدالت در آموزش هنر را بیان می‌کند که هنر باید در دسترس تمامی اقشار جامعه قرار گیرد و تنها محدود به افراد خاصی نشود تا تأثیرات آن در تمامی جامعه پدیدار شود.

یکی از مشکلاتی که صاحب‌نظران در روند توسعه کشور ایران به آن اشاره می‌کنند، ضعف در انجام فعالیت‌های گروهی است که باعث می‌شود افراد در دل گروه علاوه بر شکوفا شدن خلاقیت خود بتوانند با بهره‌گیری از حمایت جمع به اهداف دست یابند. متأسفانه در گذشته نتوانسته‌ایم با آموزش‌های لازم اعضای جامعه خود را برای انجام فعالیت‌های گروهی موفق تربیت کنیم. این به یک معضل اجتماعی بدل شده و افراد در سنین بزرگسالی قادر به کار جمعی نیستند و به همین خاطر احتمال شکست خوردن آنان در رسیدن به اهداف افزایش می‌یابد.

بهره‌گیری از هنرهایی نظیر نمایش خلاق کمک می‌کند تا دانش آموزان بتوانند مسائل و موضوعات را از روی تجربه بشناسند. نمایش خلاق موجب رشد شخصیت و پرورش عزت نفس می‌شود و کودکان یاد می‌گیرند که چگونه کار گروهی کنند. آنها به نقش آفرینی می‌پردازند و تخیل خود را به کار می‌گیرند. همچنین می‌توانیم به تئاتر کودکان و نمایش کلاسی اشاره کنیم. متأسفانه در مدارس ما خبری از فعالیت‌های متنوع هنری نیست و به همین خاطر نتایج آموزشی تأثیر کمی در رشد خلاقیت کودکان دارد.

برای برطرف کردن این نقاط ضعف می‌توانیم روش‌های دیگری را مورد بررسی قرار دهیم. برای مثال می‌توان به طراحی گردشگاه‌های هنری پرداخت تا در آنجا کودکان در کنار والدین و مربیان کارآزموده هنر را درآغوش بگیرند. این گردشگاه‌های هنری را می‌توان به‌طور مشترک با همکاری شهرداری‌ها، متولیان آموزش هنر و سازمان‌های غیردولتی علاقه‌مند بر پا کرد. در این مکان‌ها کودکان قادر خواهند بود خاک بازی کنند، با گل چیزهای مختلف خلق کنند، رنگ آمیزی کنند، در نمایش‌های خلاق شرکت کنند، آهنگ‌های شادی بخش اجرا کنند، در فضاهای سرسبز و زیبا گردش کنند و با دیگر کودکان بازی کنند و از دیدن آثار خلق شده یکدیگر لذت ببرند، آن چنان که قادر باشند در لحظاتی شیرین ذهن خود را به پرواز درآورند و با تجربه اندوژی به افکار جدید برسند و این خاطره خوش را تا آخر زندگی با خود به همراه داشته باشند. در این مکان‌ها می‌توانند



با مربیان علاقه‌مند و دوستدار هنر بحث و گفت و گو کنند و با خریداری کتاب‌های جذاب، هنر را به خانه خود ببرند. در همین اتفاقات است که ممکن است خلاقیت در ذهن کودکان جرقه بزند و زمینه‌های تحول در وجودشان شکل بگیرد. اگر ما نمی‌توانیم از طریق مدارس هنر را به معنای واقعی آن به کودکان خود آموزش دهیم، ضروری است که با ایجاد چنین گردشگاه‌هایی که در بیرون شهرها می‌توان ایجاد کرد، فرصت دوستی میان هنر و کودکان را پدید آوریم.

در این مکان‌ها هنرمندان و صاحب‌نظران با کودکان و والدین آنها پیوند می‌خورند و نتایج آن رشد فرهنگ در کشور خواهد بود و چه بسا آثاری خلق شود که باعث جذب گردشگران داخلی و خارجی به سوی این مکان‌های شگفت انگیز شود. دور از ذهن نخواهد بود که آثار کودکان بار دیگر بتواند بر روی هنرمندان تأثیر گذار باشد و شاهد ظهور سبک‌های جدیدی از هنر باشیم.

این گفته اینشتین را به‌خاطر داشته باشیم که بیان داشت: "نظریه نسبیت نمی‌توانسته در دوران بزرگسالی من شکل گرفته باشد، زیرا آدمی در بزرگسالی فرصتی برای اندیشیدن به فضا و زمان ندارد؛ اینها چیزهایی است که وقتی کودک بودم به آنها فکر کرده‌ام."

امروزه کافی است گشتی در اینترنت بزنیم تا دریابیم در کشورهای توسعه یافته سایت‌های فراوانی راه اندازی شده است که علاوه بر ارائه مطالب آموزشی برای معلمان، والدین و دانش آموزان، خود کودکان نیز به انتشار دیدگاه‌های خود در مورد هنر می‌پردازند. و ضروری است که این گونه اقدامات از طرف متولیان امور هنری عملی شود.

دوره راهنمایی و دبیرستان

کودکان با گذر از دوران دبستان به دوره راهنمایی قدم می‌گذارند و با کتاب هنر، به سوی یادگیری هنر پیش می‌روند.

مهم ترین مشکلاتی که در این دوران وجود دارد عبارت است از:

- متنوع نبودن فعالیت‌های هنری در سطح مدرسه و خلاصه شدن در نقاشی و خطاطی و آن هم بدون وجود کارگاه‌های هنری در سطح مدرسه
- تغییرات کند در به روزرسانی کتب هنر همگام با تحولات در حال انجام در سطح دنیا

- بیگانگی والدین با نحوه درست آموزش هنر به نوجوان خود به خصوص که این دوران با ستین بلوغ مصادف است که از حساسیت بالایی برخوردار است و آموزش در این مرحله نیازمند درایت و هوشمندی است

- ضعف در انجام بازدیدهای هنری برای دانش آموزان و ناتوانی موزه‌ها در ایجاد یک محیط بسیار جذاب به همراه ارائه آموزش‌های هنری لازم به دانش آموزان.

در این زمینه، ضرورت انجام پژوهش‌های لازم به منظور شناسایی نقاط ضعف آموزش هنر به خوبی احساس می‌شود تا در نهایت با تحول در نحوه آموزش هنر، دانش آموزان بتوانند از این فرصت جهت رشد خلاقیت خود بهره مند شوند.

با گذر از دوران راهنمایی، دانش آموزان به دبیرستان و هنرستان‌ها راه می‌یابند. شخصیت دانش آموزان در این دوران تا حدی شکل گرفته است و می‌توانیم نتایج آموزش‌های لازم را که از بدو تولد دریافت کرده‌اند، مشاهده کنیم. از طرفی لازم است صاحب‌نظران روند آموزش هنر در این دوران را مورد بررسی

قرار دهند و ارائه طریق کنند تا استمرار آموزش فعالیت‌های هنری با نقصان روبه‌رو نشود و سعی شود نظام مندی در آموزش هنر از زمان تولد تا دوره دبیرستان پدید آید.

حال باید این سؤال را از خود بپرسیم که آیا دانش آموزان دبیرستانی ما دارای ویژگی‌های زیر هستند تا بتوانند خود را برای قبول مسئولیت در جامعه آماده کنند:

- آیا شوق به زندگی در آنان بالاست؟

- آیا از قدرت خلاقیت بالایی برخوردارند و در برابر مشکلات می‌توانند با ذهن خلاق خود راه حل‌های جدید بیابند؟

- آیا علاقه‌مند به زیبایی‌ها هستند و دوست دارند که محیط زندگی شخصی و اجتماعی خویش را زیبا کنند؟

- آیا هدفمندند و با درایت آماده انتخاب رشته تحصیلی یا شغل مورد علاقه خود هستند؟

- آیا به آینده خوش‌بین‌اند و دارای اعتماد به نفس بالایی هستند و باور دارند که در برابر مشکلات شکست نمی‌خورند؟

- آیا آماده فعالیت‌های گروهی هستند و می‌توانند به راحتی در گروه و در کنار دیگران تعیین هدف کنند و با شکیبایی و انتخاب راهکارهای مناسب به اهداف خود دست یابند؟

- آیا از هنر در زندگی شخصی خود استفاده می‌کنند تا نیمه راست مغزشان نیز فعال شود و کارایی مغزشان افزایش یابد؟

- آیا به علت مانوس شدن با هنر، لحظاتی از زندگی خود را به دور از هیاهوی محیط به یک فعالیت هنری اختصاص می‌دهند تا هم آرامش کسب کنند و هم لحظاتی به کاوش در درون خود بپردازند؟

- آیا رفتاری صادقانه دارند و در برخورد با دیگران از ریاکاری می‌پرهیزند؟
اگر پاسخ سوالات منفی باشد، نیازمند بازنگری در نظام آموزشی خود از جمله آموزش هنر خواهیم بود.

در پایان باید به‌خاطر داشته باشیم اگر می‌خواهیم در دنیای حاضر زندگی کنیم، باید خلاق باشیم. در غیر این صورت شرایط سختی پیش روی ما خواهد بود. و اگر می‌خواهیم نسل خلاق‌تری تربیت کنیم، باید بپذیریم که باید خلاقانه وارد این عرصه شویم، و گرنه با اندیشه‌های تکراری، امیدی به ایجاد تحول و خلاقیت نخواهد بود.

منابع

"خلاقیت در آموزش و پرورش (تهدیدها و فرصت‌ها، ارائه راه حل‌های پیشنهادی)"، عبدالرحمن جرجانی، برگرفته از سایت پژوهشکده تعلیم و تربیت سازمان آموزش و پرورش استان گلستان (www.golestanier.ir)

"راه‌های پرورش خلاقیت"، دکتر مهرانگیز شماع کاظمی، مجله «معرفت»، شماره ۹۲ (ویژنامه علوم تربیتی)، برگرفته از سایت www.qabas.org

"نامی در تعریف هنر"، مجتبی مطهری الهامی، برگرفته از سایت www.firooze.com

"جستاری در مفهوم هنر و عناصر ترکیبی آن"، سیدحسین امیرچغانی، برگرفته از سایت www.firooze.com

"جایگاه اثر هنری در روش شناسی گادامر"، سید رضی موسوی گیلانی، سایت www.firooze.com

"هنر فکر کردن"، ارنست دیمنه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی

"صد جلوه از میراث ایران"، نشر قلمرو آفتاب، گروه نشر ایران، چاپ یکم، تابستان ۱۳۸۶ "معرفی کارگاه‌های آموزشی هنر درمانی"، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

"دینار از موزه‌ها یک فرصت آموزشی است"، حمید میرزاآقایی، روزنامه «اعتماد»، ۱۹ آذر ۱۳۸۱

"آموزش هنر در مراکز پیش‌دبستانی"، سایت پیش‌دستانی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران (www.tehranedu.com)

"کودکان، بزرگ‌ترین معلمان خلاقیت"، حمید میرزاآقایی، ویژه نامه کارآفرینی روزنامه «اعتماد»

"تعریف اصطلاحات مهم نمایش کودک و بحث درباره آنها"، مت بوکانن، ترجمه داود زینلو، www.childdrama.com

"کم توجهی به آموزش هنر یک مسئله ریشه دار است"، حجت‌الله حسین زاده، روزنامه «کیهان»، شماره ۱۸۷۴۲

"هنرمردن و نقاشی کودکان"، رضا عبدلی، پایگاه خبری هنر ایران

"ذهن دانش آموزان نیازمند تخیل فعال است"، حمید میرزاآقایی، روزنامه «اعتماد»

"چگونه از فرزند خود یک نابغه بسازیم"، شاکونتالا دوی، ترجمه زهره زاهدی، انتشارات جیحون، چاپ دوم، ۱۳۷۹

"ضرورت رشد خلاقیت و کارآفرینی کودکان برای تأمین منابع انسانی سازمان‌های آینده"، حمید میرزاآقایی، سایت فکرتو، بهمن ۱۳۸۶ (www.fekreno.org)

Creativity and Children: A Natural Combination, by Alberta Johnson, www.artistshelpingchildren.org

Seven Easy Ideas for Organizing Kids Artwork, by Maria Gracia, www.artistshelpingchildren.org

Ways to Help Your Child Express Herself with Art, by T. Robbin, www.kinderart.com

Children and Art: They Go Together, by Robert Beeching, www.kinderart.com

